زیست‌بوم

آتش جنگل از سفر بی‌حاصل ایتالیا تا سوختن الیت زیبا

رحیم ملک‌نیا
عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان

روزهاست که چشمِ نگران عاشقان این سرزمین به جنگلی زیباست که در الیت چالوس می‌سوزد. آتشی که درختان الیت و دل دوست‌داران این سرزمین را با هم سوزاند ولی تا مدت‌ها خم به ابروی دو سازمان مسئول مدیریت طبیعت کشور نیاورد. اما به نظر من الیت خیلی هم بدشانس نبود؛ درست است که روزها در آتش سوخت تا دودش به چشم ما برسد، اما حداقل مانند جنگل‌های بلوط زاگرس در بی‌توجهی جامعه و دولت خاکستر نمی‌شود. الیت خوش‌شانس است که رئیس سازمان منابع طبیعی خسته از سفرهای طولانی و بی‌حاصل خود از آن‌سوی مرزها با تلفن عملیات اطفای آن را فرماندهی می‌کند. الیت بسیار خوش‌شانس است که بر سر مدیریت آن بین سازمان‌های منابع طبیعی و محیط زیست گیس و گیس‌کشی راه افتاده است. اما از الیت خوش‌شانس‌تر، رؤسای دو سازمان محیط زیست و منابع طبیعی هستند. سوءمدیریت‌شان در بحران آتش‌سوزی در سایه استوری‌بازی مدیران‌شان و سفرهای پر از هیچ‌شان به خارج و داخل مخفی ماند. هفته‌های قبل سه نفر از مدیران ارشد کشوری که مسئولیت‌های سنگین در حفاظت و مدیریت جنگل‌های کشور دارند، اما در موضوع آتش‌سوزی بی‌تجربه و فاقد دانش و تخصص هستند، به ایتالیا سفر کردند تا در برنامه‌ای مرتبط با حریق شرکت کنند. برای من جالب است که بدانم این مدیران با کدام دانش قبلی قرار بود در این برنامه شرکت کنند؟ تجربه آنان درمورد حریق چه بود که در این برنامه با هدف ارتقای برنامه‌های مدیریت حریق شرکت کنند؟ قرار بود درس‌آموخته‌های خود را چگونه به نیروهای فنی منتقل و آن را عملیاتی کنند؟ بی‌حاصلی این سفر در کنار برنامه‌های بی‌حاصل گذشته مدیریت حریق، چرا از نگاه تیز مسئولان ارشد کشور، رسانه‌ها و کنشگران در امان ماند؟ سوختن طولانی الیت و انفعال و سکوت کرکننده سازمان محیط زیست و منابع طبیعی کشور گواهی روشن بر بی‌برنامگی و سردرگمی این دو سازمان بود و نشان داد که نه سفر به ایتالیا و نه دعوت از کارشناسان بین‌المللی به کشور، مدیران را قانع به تدوین یک برنامه جامع مدیریت حریق نکرده است. فقدان این برنامه در سال‌های گذشته زاگرس باارزش را هر روز سوزاند و امروز به جان هیرکانی نیز افتاده است. حال که آتش الیت روزها در انفعال دو سازمان متولی، طبیعت کشور را سوزاند، وقت آن است که مسئولان ارشد به این موضوع به طور جدی وارد شده و انفعال دهه‌های گذشته را پیگیری کنند. به نظر می‌رسد نقطه شروع این پیگیری می‌تواند سفر به ایتالیا باشد، مشخص شود که آیا تیمی تخصصی باید به این سفر می‌رفت یا مدیرانی ناآشنا به آتش‌سوزی جنگل؟ کم‌کاری روزهای طولانی گذشته دو سازمان مشخص و تعیین شود که چرا برای اطفای حریق در زمان طلایی آن، اهمال و کم‌کاری رخ داده است؟ وزیر جهاد کشاورزی و رئیس‌جمهور لازم است که با پیگیری موضوع، پیامدهای سوءمدیریت در این موضوع را درک کرده و چاره‌اندیشی کنند. در روزهایی که هر قطره آب در این سرزمین، ارزشی افزون‌تر می‌یابد، مشخص شود چرا پوشش گیاهی که مهم‌ترین عامل در چرخه تأمین آب است، این‌چنین در سایه سوءمدیریت می‌سوزد. همچنین تعیین شود که چگونه مدیران دو سازمان از وظایف خود در قبال حریق آگاه نبودند و به جای مدیریت آتش، زمان را صرف دعوا بر سر مدیریت الیت کردند؟ برخورد با مدیرانی که در این موضوع قصور داشته‌اند، شاید گامی قوی برای عبور از مشکلات مدیریت طبیعت کشور باشد.

خبرخوان

تداوم آلودگی هوای تهران تا سه‌شنبه

ایسنا: اداره کل هواشناسی استان تهران از تداوم آلودگی هوا تا اواسط هفته و سپس از کاهش غلظت آلاینده‌های هوا از بعدازظهر سه‌شنبه خبر داد. اداره کل هواشناسی استان تهران بر پایه واکاوی الگوهای همدیدی و بررسی نقشه‌های پیش‌یابی اعلام کرد که از جمعه (۷ آذرماه) تا اواسط هفته پیش‌رو، با تداوم پایداری و سکون نسبی هوا و نوزیدن باد قابل ملاحظه به ویژه در مناطق پرتردد شهری آلاینده‌ها انباشته می‌شود و کیفیت هوا کاهش می‌یابد و به همین سبب در این مدت افزایش غلظت آلاینده‌های جوی و کاهش دید نیز مورد انتظار است. اداره کل هواشناسی استان تهران افزود: از دوشنبه (۱۰ آذرماه) شب تا سه‌شنبه (۱۱ آذرماه) در ارتفاعات و مناطق غربی گاهی بارش پراکنده مورد انتظار است و پیش‌بینی کرد از بعدازظهر سه‌شنبه در پاره‌ای از مناطق، به ویژه بخش‌های جنوبی و غربی این استان، وزش باد افزایش می‌یابد؛ وزش باد شدید گاهی شدید است و با کاهش غلظت آلاینده‌های جوی همراه خواهد بود. اداره کل هواشناسی استان تهران همچنین برای پنج روز آینده آسمان این استان را صاف تا قسمتی ابری و گاهی همراه با وزش باد پیش‌بینی و اعلام کرد که آسمان تهران امروز (شنبه) صاف و غبارآلود با حداقل دمای ۶ و حداکثر دمای ۱۶ درجه سانتی‌گراد و طی سه‌شنبه (۹ آذرماه) صاف و غبارآلود با حداقل دمای ۷ و حداکثر دمای ۱۶ درجه سانتی‌گراد پیش‌بینی می‌شود.

افزایش شیب ابتلا به آنفلوانزا نسبت به سال گذشته

رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت با اشاره به افزایش شیب ابتلا به آنفلوانزا نسبت به سال گذشته، گفت: «مصرف آنتی‌بیوتیک‌ها هیچ تأثیری در روند درمان ندارد». قباد مرادی در این باره افزود: «مقایسه‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که شیب ابتلا به آنفلوانزا در سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش قابل توجهی داشته است». او با اشاره به علائم شایع این بیماری ادامه داد: «در حال حاضر، آنفلوانزا با التهاب دستگاه تنفسی بروز پیدا می‌کند و با سرفه، آبریزش بینی، گلودرد، بدن‌درد و تب خفیف همراه است. ابتلا به این بیماری در کودکان با علامت و احتمال بروز تب شدید نیز همراه است». به گفته او، این بیماری در بعضی موارد ممکن است با علائم گوارشی نیز همراه باشد.

گزارش «شرق» از گمانه‌زنی‌ها درباره عمدی‌بودن آتش‌سوزی‌های سریالی جنگل‌های کشور

مافیای چوب پشت پرده آتش‌سوزی؟

«اگر آتش‌سوزی‌ها به هم وصل بودند، می‌توانستیم بگوییم که یک نقطه آتش گرفته و بعد امتداد پیدا کرده، اما سه، چهار بخش مختلف جنگل سوادکوه به یک شکل آتش گرفت و واضح بود عمدی است»

زینب رحیمی

از یک ماه گذشته تاکنون جنگل‌های زاگرس و هیرکانی از فارس و ایلام تا مازندران، گیلان و گلستان و حتی سمنان و آذربایجان شرقی درگیر آتش هستند. در زمان نوشتن این گزارش جنگل هیرکانی در بخش سوادکوه طعمه حریق است و تلاش‌ها برای خاموش‌کردن آتش جریان دارد.

عمدی و هدفمند؟

در روزهای گذشته بسیاری از مخاطبان این پرسش را مطرح کردند که آیا آتش‌سوزی‌های سریالی اخیر در جنگل‌های هیرکانی و زاگرس عمدی است؟ بهمن ایزدی مدیر کانون سبز فارس و از فعالان قدیمی محیط زیست از جمله کسانی است که آتش‌سوزی جنگل‌های ایران را عمدی و هدفمند می‌داند. او با تأکید بر اینکه آتش‌سوزی جنگل‌ها از سال ۱۳۹۹ به بعد با الگوی جدیدی در حال رخ‌دادن است، به «شرق» می‌گوید: «وقتی الگوی آتش‌زدن‌ها را در شش سال گذشته نسبت به دوره قبل از آن بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم که چنین آتش‌سوزی‌هایی را قبلا در هیرکانی و زاگرس نداشتیم. اگر مواردی از آتش‌سوزی هم رخ می‌داد، محدود بود و مردم سریع آن را مهار می‌کردند اما حالا شیوه آتش‌زدن‌ها با گذشته فرق کرده است. چون بیشتر این آتش‌افروزی‌ها در ارتفاعات و در فراز اکوتون‌ها و بوم‌مرزهای ما در حال وقوع است». او این‌طور ادامه می‌دهد: «به نظر من اینکه برخی می‌گویند آتش‌سوزی کار چوپان، قاچاقچی چوب، ذغال‌گیر، خشخاش‌کار و حتی صاعقه است، ادعای دقیقی نیست. داستان‌ها فراتر از این عوامل است. به نظر من سهم اینها شاید تنها یک درصد باشد».

آتش‌سوزی‌های هم‌زمان در ارتفاعات

این فعال محیط زیست معتقد است؛ آتش‌سوزی‌های گسترده عمدی از سال ۹۹ در ایران شروع شده است و در توضیح این گزاره می‌گوید: «بارها دیده‌ایم که فعالان محیط زیست و داوطلبان مردمی، نقطه‌ای از آتش را در زاگرس خاموش می‌کنند، اما بلافاصله بخش دیگری از فراز قله آتش می‌گیرد. بارها این اتفاق افتاده است که وقتی نیروها مشغول خاموش‌کردن آتش در بخشی از جنگل هستند، هم‌زمان جای دیگری آتش می‌گیرد. اینها نشان می‌دهد که آتش‌افروزی‌ها هدفمند و عمدی است».

برهم‌زدن نظام بارش و رطوبت

بهمن ایزدی، مدیر کانون سبز فارس با بیان اینکه آتش‌زدن مداوم زاگرس نظام رطوبتی را بر هم زده است، می‌گوید: «رویشگاه‌هایی که در قسمت جنوب تا جنوب غرب زاگرس قرار دارند یعنی از استان فارس تا کهگیلویه‌وبویراحمد و بخش‌هایی از جنوب غرب استان چهارمحال‌وبختیاری و بخش‌هایی از شمال شرق خوزستان بوم‌مرزهای بسیار مهم ما هستند و نقش حفاظتی در قبال بقیه بخش‌های زاگرس دارند. اینها در برابر بادهای خشک و گرم سودانی و عربستانی مقاومت می‌کنند تا این هوا بیش از اندازه روی زیست پیکره زاگرس تسلط پیدا نکند. این جنگل‌ها هوای گرم و خشک را تعدیل می‌کنند چون این بادهای گرم و خشک با هوای خنک و مرطوب شرق مدیترانه به ویژه در کردستان و آذربایجان غربی برخورد کرده و موجب ریزش باران می‌شود؛ اینها عملکرد طبیعی زاگرس است، اما آتش‌افروزی عمدی این نظام طبیعی را بر هم می‌زند». بهمن ایزدی تأکید می‌کند: «زیستگاه‌های حساس در زاگرس را آتش می‌زنند تا این جنگل‌ها را که جاذب هوای مرطوب و خنک هستند، از بین ببرند. اکوتون‌ها را آتش می‌زنند تا این سپر حفاظتی زاگرس را در برابر هوای گرم و خشک سودانی نابود کنند تا هوای گرم و خشم بر این محدوده مسلط شود. طبیعتا این اتفاق موجب خلل در ایجاد جریانات هوایی و ریزش باران می‌شود».

او با اشاره به خشک‌شدن دریاچه ارومیه و دیگر تالاب‌ها و دریاچه‌های ایران می‌گوید: «این وضع موجب ابرگریزی می‌شود و طبیعتا در کنار آتش‌زدن‌های عمدی جنگل‌ها کاهش بارش را به همراه دارد. من و همکاران متخصص جغرافی‌دان و اکولوژیست در داخل و خارج ایران یک سال روی این موضوع مطالعه کردیم. به نظر من آتش‌زدن جنگل‌های ایران به شکل هدفمند در حال انجام است».

الیت عمدا به آتش کشیده شد

درباره جنگل الیت مازندران که نزدیک به ۳۰ روز در آتش سوخت، شائبه عمدی‌بودن آتش بسیار جدی است. تاکنون سه گزاره مطرح شده؛ یکی اینکه الیت توسط شکارچی آتش زده شده است. دوم اینکه آتش این جنگل توسط حفاران و گنج‌یابان رخ داده و ایده سوم این است که کسانی به منظور تصرف اراضی و زمین‌خواری دست به آتش‌افروزی عمدی الیت زدند، اما حامد تیزرویان، فعال محیط زیست اهل مازندران، پای مافیای چوب را وسط می‌کشد. او هم بر عمدی‌بودن آتش‌سوزی‌های اخیر جنگل‌ها تأکید دارد. این کنشگر به «شرق» می‌گوید: «درباره آتش‌سوزی الیت نمی‌توانم نظر قطعی بدهم اما بسیاری از دوستانی که در جریان اطفای حریق جنگل الیت بودند، گفتند آتش‌سوزی انسانی و عمدی بوده است، اما درباره آتش‌سوزی سوادکوه، به دلیل پراکندگی عجیب محدوده‌های آتش‌گرفته به نظر می‌رسید فردی در جنگل سوادکوه با بنزین یا نفت بخش‌های مختلف جنگل را آتش زده بود. تکه‌های مختلف در بخش‌های متعدد جنگل سوادکوه که هیچ اتصالی به هم نداشتند، هم‌زمان آتش گرفتند. اگر این آتش‌ها به هم وصل بودند، می‌توانستیم بگوییم که یک نقطه آتش گرفته و بعد امتداد پیدا کرده است، اما سه، چهار بخش مختلف جنگل سوادکوه به یک شکل آتش گرفت و واضح بود که عمدی است».

مافیای چوب؛ پشت پرده آتش‌سوزی؟

تیزرویان که عکاس حیات وحش هم هست و انتقادات فراوانی هم به مدیریت دارد، با تأکید بر اینکه شاید آتش‌سوزی کار مافیای بهره‌برداری چوب است، می‌گوید: «در بحبوحه آتش‌سوزی جنگل الیت، رئیس سازمان منابع طبیعی استان مازندران، نماینده شهر ساری و رئیس پلیس امنیت استان مازندران را به الیت برده و به آنها اطلاعات نادرست داده و ادعا کرده بود که چون فعالان محیط زیست اجازه برداشت درختان شکسته و افتاده را نمی‌دهند، جنگل الیت سوخته و آتش‌سوزی گسترش یافته است». به گفته او، آتش‌سوزی الیت هیچ ربطی به برداشت کردن یا نکردن درختان شکسته و افتاده ندارد، اما مدیر منابع طبیعی استان مازندران و سایر مدیران دولتی سعی دارند از جنگل الیت سوءاستفاده کرده و با دادن اطلاعات غلط به دادستان و نماینده‌های مجلس، طرح برداشت درختان شکسته و افتاده را اجرا کرده و جنگل هیرکانی را زیر بهره‌برداری ببرند.

احتمال برداشت چوب از هیرکانی

مهرداد خزایی، مدیر کل منابع طبیعی استان مازندران پیش‌تر در گفت‌وگو با «شرق» ادعا کرده بود که آتش‌سوزی الیت به دلیل درختان شکسته و افتاده گسترش یافته است، در حالی که داوطلبان مردمی و اهالی بومی الیت دیرکرد مدیران دولتی در شروع عملیات اطفای حریق و نرسیدن به‌موقع و سریع بالگرد و امکانات را دلیل گسترش آتش‌سوزی الیت می‌دانند. از سوی دیگر عالیشاه، دادستان مرکز استان مازندران هم دوم آذرماه امسال در بحبوحه آتش‌سوزی الیت، حریق این جنگل را به درختان شکسته و افتاده ربط داده و گفته بود: «وجود درخت‌های شکسته در جنگل به افزایش دامنه آتش‌سوزی‌ها افزود. متأسفانه در گذشته قانونی تصویب شده که نباید درخت‌های شکسته از منطقه جنگلی خارج شوند و از سوی دیگر درخت‌های خشک نیز قطع نمی‌شوند. البته در برنامه هفتم این اجازه داده شده، اما متأسفانه منابع طبیعی در این بخش سهل‌انگاری داشته و درخت‌ها را خارج نکرده است». بسیاری از فعالان و کارشناسان محیط زیست طی روزهای گذشته، این اظهار نظر مدیران دولتی را چراغ سبزی برای شروع اجرای طرح برداشت درختان شکسته و افتاده از جنگل هیرکانی دانستند و با ابراز مخالفت با اجرای این طرح، نسبت به قاچاق درختان هیرکانی هشدار دادند.

به ضرر هیرکانی به نفع بهره‌برداران چوب

تیزرویان ادامه می‌دهد: «شاید آتش‌سوزی جنگل الیت توسط شکارچی متخلف ایجاد شده باشد اما به هر حال مدیران دولتی سعی دارند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند تا به ضرر هیرکانی و به نفع خود عمل کنند. این رفتار همه را به شک می‌اندازد که نکند آتش‌سوزی‌ها برنامه‌ریزی‌شده باشد. باید بدانیم، منطقه الیت هیچ‌وقت برای بهره‌برداری چوب استفاده نشده و اصلا قابل بهره‌برداری نیست، چون الیت جنگل بسیار پرشیبی است و برای بهره‌برداری به‌صرفه نیست».

او با بیان اینکه شاید مافیای بهره‌برداری چوب پشت آتش‌سوزی‌ها هستند، می‌گوید: «شاید مافیای بهره‌برداری چوب‌های جنگلی عامل مستقیم آتش‌افروزی نباشند. شاید آنها تنها دارند از موقعیت پیش‌آمده سوءاستفاده می‌کنند تا به مقاصد خود یعنی اجرای طرح برداشت درختان شکسته و افتاده هیرکانی برسند. به هر حال باید به آتش‌سوزی‌های پیوسته و متعدد و هم‌زمان در هیرکانی شک کنیم».

مدیران سهل‌انگار و مسامحه‌گر

در بخش دیگر گفت‌وگو، «بهمن ایزدی»، این فعال محیط زیست که سال‌ها در زمینه اطفای حریق در زاگرس فعالیت کرده است، می‌گوید: «آتش‌سوزی‌های عمدی را نباید گردن شکارچی، چوپان، گردشگر و... بیندازیم. سهم آتش‌سوزی‌هایی که این افراد موجب می‌شوند، شاید به یک درصد هم نرسد. ضمن اینکه گردشگران اغلب در کوهپایه‌ها هستند اما آتش‌زدن‌ها از فراز ارتفاعات شروع می‌شود». او با اشاره به سهل‌انگاری دستگاه‌های دولتی در جریان خاموش‌کردن آتش و حتی شناسایی آتش‌افروزان می‌گوید: «دستگاه‌های دولتی و قضائی اصلا نمی‌خواهند قضیه عمدی‌بودن آتش‌افروزی‌ها را باور کنند. برای همین سال‌هاست که ما فریاد می‌زنیم، ما در زمان آتش‌سوزی، پای آتش رفته و آن را مهار می‌کنیم، اما شما مسئولان خود را موظف کنید که عاملان و آمران آتش‌سوزی را پیدا کنید. متأسفانه آنها بی‌خیال هستند و مسامحه می‌کنند».

مدیران هربار شوکه می‌شوند!

ایزدی با بیان اینکه سازمان‌های دولتی در زمان وقوع آتش‌سوزی ساعت طلایی اطفای حریق را از دست می‌دهند، ادامه می‌دهد: «اگر سازمان‌های دولتی پای کار بودند طی سال‌های گذشته حداقل می‌توانستند نیروهای انسانی را آموزش داده، آنها را برای مقابله با حریق سازماندهی کرده و تجهیزات لازم را فراهم کنند. هنوز آتش‌سوزی برای مسئولان تازگی دارد و انگار نه انگار که ایران سال‌هاست با این پدیده روبه‌روست. متأسفانه بعد از گسترش آتش‌سوزی، با فراخوان داوطلبان مردمی را برای خاموش‌کردن آتش جمع کرده و خود صحنه را ترک می‌کنند و برای اینکه عریضه خالی نباشد تعدادی نیروی محیط زیست و منابع طبیعی هم پای آتش می‌فرستند تا دهان‌ها را در برابر انتقاد ببندند اما در بسیاری از آتش‌سوزی‌ها دیده‌ایم که حضور گارد منابع طبیعی و محیط زیست خیلی اثربخش نبوده است». ایزدی با تأکید بر اینکه نباید درباره آتش‌سوزی‌های ایران ساده‌انگاری کنیم، می‌گوید: «هیرکانی به دلیل بالابودن رطوبت هوا حتی در بهار هم کمتر دچار آتش‌سوزی می‌شود اما چرا حالا در پاییز دچار حریق وسیع در نقاط مختلف شده است؟ پس مشخص است که آتش‌افروزان چطور دارند عمل می‌کنند مخصوصا حالا که فصل ریزش برگ‌هاست و این برگ‌های خشک مثل انبار باروت عمل می‌کند. آتش‌زدن جنگل‌ها بحران و موضوع جدی ایران است، جدی‌تر از آن انفعال بخش‌های دولتی برای مقابله با بحران آتش‌زدن‌هاست». او با اشاره به اینکه طی چند روز گذشته شش نقطه از زاگرس در استان فارس دچار حریق شده است، تأکید می‌کند: «این درختان و رویشگاه‌ها و حتی عرصه‌های مرتعی ما وظیفه آبخوان‌داری و تولید اکسیژن را برعهده دارند، وقتی جنگل بسوزد اول اینکه نظام رطوبت بر هم می‌خورد. دوم اینکه نظام آبخوان‌داری و تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی نابود می‌شود. سوم اینکه این روال باعث افزایش سیلاب‌ها و تخریب ناشی از نابودی جنگل و فرسایش خاک می‌شود».

آتش‌افروزی با ریزپرنده از راه دور

چند روز پیش هم‌زمان با آتش‌گرفتن جنگل ابر در شاهرود استان سمنان، مهدی لهردی، فرمانده یگان حفاظت محیط زیست این استان هم در گفت‌وگو با «شرق» با تأکید بر عمدی‌بودن آتش‌سوزی اخیر جنگل ابر، این احتمال را مطرح کرد که شاید آتش‌سوزی جنگل ابر از طریق ریزپرنده و پهپاد صورت گرفته است. این مقام مسئول در سازمان محیط زیست بر این موضوع تأکید داشت؛ جایی از جنگل ابر آتش گرفته که گردشگر به آنجا نمی‌رود و بعید است کار شکارچی هم باشد. در همین زمینه با محمدحسین حسن‌زاده، مدیر کل حفاظت محیط زیست استان آذربایجان شرقی هم درباره آتش‌سوزی اخیر جنگل‌های ارسباران در محدوده روستای نمنق جلفا صحبت کردیم. او هم با تأکید بر عمدی‌بودن آتش نمنق در محدوده منطقه حفاظت‌شده دیزمار، درباره عامل آتش‌سوزی می‌گوید: «فعلا سناریوی عامل انسانی پررنگ‌تر است اما به نظرم به دلیل تعدد و گستردگی آتش و صعب‌العبور بودن محدوده‌های دچار حریق و هم‌زمان‌شدن چند آتش‌سوزی در چند منطقه مختلف کشور باید دستگاه‌های مرتبط، با حساسیت بیشتر به آن رسیدگی و دلیل آتش را بررسی کنند».

عده‌ای قصد خشکاندن جنگل‌های ایران را دارند. زیستگاه‌های حساس را عمدا آتش می‌زنند تا این جنگل‌ها را که جاذب هوای مرطوب و خنک هستند، از بین ببرند، شاید هم پای مافیای چوب در میان است، شاید هم...

مدرسه

حذف «اخراج موقت» از آیین‌نامه اجرائی مدارس

ایسنا: معاون دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش از نهایی‌شدن نسخه اصلاح‌شده آیین‌نامه اجرائی مدارس خبر داد و با اشاره به دریافت بازخوردهای استانی گفت: در نسخه جدید، اختیارات مدرسه و شوراهای مدرسه افزایش یافته است. به گفته عبدالرضا کفاش، در بحث مقررات انضباطی یکی از چالش‌ها، موضوع اخراج موقت دانش‌آموز بود که در احکام آیین‌نامه اجرائی هم آورده شده است.

او در این زمینه تأکید کرد: «اشکالات حقوقی وجود داشت و در جمع‌بندی‌ها به این نتیجه رسیدیم که خیلی ثمربخش نیست و این بند را از آیین‌نامه اجرائی حذف کردیم و توصیه‌های مشاوره‌ای را لحاظ کردیم». او درباره تغییرات آیین‌نامه اجرائی مدارس گفت: «یکی از مهم‌ترین مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، نسخه مدرسه‌ای سند تحول بنیادین در کانون مدرسه و برنامه عمل مدیران مدارس در مدرسه برای اداره مدرسه است».

او افزود: «نسخه اولیه آیین‌نامه اجرائی مربوط به سال ۱۳۷۹ است و در آن آیین‌نامه، بعد از گذشت بیش از ۲۰ سال جمع‌بندی صورت گرفت که با توجه به اقتضائات روز و شرایط حاکم بر نظام تعلیم و تربیت، آیین‌نامه اجرائی بازنگری و اصلاح شود. ازاین‌رو جلسات بسیاری برگزار و نسخه ۱۴۰۰ آن بعد از اصلاحاتی که انجام شد، به مدارس ابلاغ شد».

معاون دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش با بیان اینکه به اذعان خود همکاران در حوزه تعلیم و تربیت، نسخه جدید ابلاغی به مدارس در سال ۱۴۰۰، بسیاری از گره‌ها و مشکلاتی را که مدارس با آن مواجه بودند باز و کمتر کرد، ادامه داد: «در آیین‌نامه ابلاغی سال ۱۴۰۰، گفته شد این آیین‌نامه سه سال به صورت آزمایشی اجرا شده و در این سه سال بازخوردهای لازم از حوزه‌های مختلف دریافت و سپس اقدام به اصلاحات گرفته و نسخه جدید ابلاغ شود».

کفاش با بیان اینکه بازخوردهایی را از استان‌های مختلف دریافت کردیم، گفت: مجددا کارگروهی در دبیرخانه شورای عالی تشکیل و بیش از ۶۴ جلسه برگزار شد تا در نهایت نسخه اصلاح‌شده آیین‌نامه اجرائی آماده شده است. ویرایش‌های نهایی در حال انجام است و در جلسه شورای عالی مطرح شده و به تصویب خواهد رسید. او با بیان اینکه مبنای تدوین آیین‌نامه اجرائی، سند تحول بنیادین و زیرنظام‌های سند تحول بنیادین بود که در بخش‌های مختلف آیین‌نامه به همه این موضوعات پرداخته شد، افزود: در آیین‌نامه اجرائی به بحث مدیریت، راهبری و مدیریت مدرسه، موضوع برنامه درسی، بحث پژوهش، بهداشت، سلامت، فضا، تجهیزات، امور مالی، منابع انسانی و سایر مواردی که مدیر مدرسه با آن سروکار دارد، پرداخته شده و احکامی که مدیر مدرسه برای اداره مدرسه به آن نیاز دارد، در این آیین‌نامه گنجانده شده است».

معاون دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش با بیان اینکه سعی شده سیاست کلی مدرسه‌محوری و تفویض حداکثر اختیارات شوراهای مدرسه و مدیر مدرسه در آیین‌نامه اجرائی لحاظ شود، ادامه داد: «با موانع بسیاری مواجه بودیم؛ چون قوانین بالادستی وجود دارد که سال‌هاست تصویب شده و کسی به دنبال آن نرفته است. بنابراین با نگاه به سند تحول بنیادین حکمی را آوردیم تا گره برای مدیر مدرسه باز شود و مدرسه را روان‌تر اداره کند. در نهایت کار را جلو بردیم که در بحث طرح تقویت نظام آموزش و پرورش به آن توجه شده است». کفاش با بیان اینکه یکی از موضوعات، تلفن همراه است که «تکلیف تلفن همراه برای دانش‌آموز چگونه است»، گفت: «موضوع دیگر بحث نصب دوربین‌ها در کلاس‌های درس و فضاهای مدرسه است که با چالش‌هایی مواجه بودیم؛ ولی در این اصلاحات تلاش کردیم مسئولیت را بیشتر به شورای مدرسه بسپاریم که شورای مدرسه با توجه به اقتضائات مدرسه بتواند تصمیم‌گیری کند».